در گفت‌وگو با دبیر شورای عالی امنیت ملی تشریح شد

دغدغه‌های راهبردی ایران در سوریه، عراق و لبنان

دریابان «علی شمخانی»، نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی، به پرسش‌های مطرح‌شده درباره دلایل خروج آمریکا از برجام، سیاست‌های منطقه‌ای ایران و دلایل حضور مستشاران نظامی کشورمان در عراق و سوریه، تحولات امنیتی منطقه به‌ویژه موضوع انتقال سفارت آمریکا به قدس شریف و نتایج راهپیمایی بازگشت فلسطینی‌ها و... پاسخ داد.

عکس: حمید فروتن، ایسنا

◣ دولت ایالات متحده آمریکا برجام را توافق‌نامه زیان‌باری دانست و به‌صورت یکجانبه از آن خارج شد. سه بهانه از سوی آمریکا در این رابطه شامل کافی‌نبودن تعهدات و محدودیت‌های هسته‌ای ایران، پیش‌بینی‌نشدن سازوکارهای بازدارنده درباره برنامه موشکی به‌زعم آنها تهدیدآمیز کشورمان و همچنین مرتبط‌نشدن امتیازات داده‌شده به ایران و ضرورت بازبینی در سیاست‌های منطقه‌ای عنوان شده است. درباره دو موضوع اول تا حدود زیادی از سوی مسئولان جمهوری اسلامی ایران توضیحات لازم ارائه شده، اما در بخش سیاست‌های منطقه‌ای ایران با توجه به تحولات سریع و پیچیده‌ای که در این حوزه وجود دارد، ابهام‌ها و اختلاف‌نظرهایی مشاهده می‌شود که نیازمند توضیح و تبیین بیشتر است. اساسا چه ضرورت‌ها و اهدافی در شکل‌گیری سیاست‌های منطقه‌ای ایران نقش دارد و چرا آمریکا، غرب و برخی کشورهای منطقه این سیاست‌ها را تهدیدآمیز می‌دانند؟

قبل از پاسخ به پرسش شما لازم می‌دانم به نکته‌ای درباره ضرورت توجه بیشتر رسانه‌های داخلی و کارشناسان سیاسی و امنیتی به تشریح سیاست‌های منطقه‌ای ایران که بدون شک برگ برنده ما در تأمین امنیت ملی و منافع پایدار منطقه‌ای است اشاره کنم. به‌تازگی مقاله‌ای در روزنامه «شرق» به قلم یکی از دیپلمات‌های سابق با عنوان «برگ‌های برنده را نسوزانیم» منتشر شد که از نظر من خیلی تعجب‌آور بود. بیشتر از این زاویه که چطور شخصی که سابقه کار طولانی در عرصه دیپلماتیک دارد، با نگاهی بسیار سطحی و متأثر از فضاهای ژورنالیستی غربی مسائل منطقه را تحلیل می‌کند. شاید این قرائت‌های نادرست به این دلیل مطرح می‌شود که اهداف واقعی و دستاوردهای کم‌نظیر ما در منطقه به‌خوبی بیان نمی‌شود و مسئولان نوعا به‌واسطه مشغله‌های فراوان کمتر فرصت دارند گزارش اقدامات این حوزه را به افکار عمومی ارائه کنند. به‌هرحال این مثال تأییدکننده تأکید شما بر ضرورت گفت‌وگوی بیشتر و تشریح دقیق‌تر سیاست‌های منطقه‌ای ایران است.

اما درباره سؤال شما باید بگویم که اساسا امروزه مسائل سیاست خارجی و امنیت بین‌الملل از مسائل داخلی و امنیت ملی قابل‌تفکیک نیست و بر یکدیگر اثرگذار هستند. این کشورها هستند که با سیاست‌ها و خط‌مشی‌گذاری می‌توانند از تحولات منطقه پیرامون خود برای افزایش قدرت و امنیت استفاده کنند یا به‌گونه‌ای عمل کنند که امنیت خود و دیگران را به مخاطره بیندازند.

به‌طورقطع سیاست‌های منطقه‌ای ایران در امتداد سیاست داخلی و مبتنی بر افزایش ضریب امنیت ملی و تأمین منافع و ارزش‌های بنیادین نظام است. ارزیابی سیاست‌های منطقه‌ای ایران نیز به‌روشنی مشخص‌کننده جهت‌گیری ثابت این سیاست‌ها در مسیر تأمین اهداف عنوان شده است.

به‌طورکلی سه عاملی که با عنوان بهانه خروج آمریکا از برجام مطرح شد، همگی از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی هستند و تلاش کشورهای رقیب و یا معاند ایران برای محدودسازی این سه مؤلفه نیز نشان‌دهنده موفقیت ایران در تولید قدرت با استفاده از عوامل ذکرشده است. به‌طورقطع بدون تولید قدرت در حوزه‌های سخت و نرم نمی‌توان به امنیت ملی و منافع پایدار دست یافت، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رویکرد منفی کشورهایی که شما از آنها نام بردید نه به‌دلیل ماهیت تهدیدآمیز فعالیت‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران، بلکه به‌دلیل مخالفت آنها با قدرتمندشدن ایران است.

◣ طبیعتا قضاوت شما به‌عنوان مسئول نهاد امنیت ملی کشور نباید غیر از این باشد، اما موضوع مهم چرایی شکل‌گیری این نگاه در کشورهایی است که به آنها اشاره شد.

البته من به چرایی شکل‌گیری این نگاه اشاره کردم، اما برای اینکه بتوانیم با ادبیاتی فراملی موضوع را تحلیل کنیم، باید سه محور ذکرشده را مقداری کالبدشکافی کنیم. واقعیت این است که برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ اسناد بین‌المللی تأییدکننده صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستند و اتفاقا آمریکا و هم‌پیمانان این کشور باید توضیح بدهند که چرا در حال شناکردن در مسیر خلاف رودخانه حقوق بین‌الملل هستند. درباره توانمندی موشکی ایران هم کشورهایی که امروز مدعی هستند باید در جایگاه پاسخ‌گویی قرار بگیرند. آنها همه نوع سلاح متعارف و غیرمتعارف را برای تجاوز صدام حسین به ایران در اختیارش قرار دادند و مردم ما را با تحریم تسلیحاتی از حق طبیعی دفاع محروم کردند. آیا امروز این کشورها حق دارند که به ما بگویند اجازه استفاده از دانش و توان بومی خود برای تولید ابزار دفاعی را ندارید؟ توانمندی موشکی ایران براساس تجربه پرهزینه دفاع مقدس و متناسب با برد تهدیدهای ایران شکل گرفته و در چارچوب دکترین دفاعی ما کاملا بازدارنده و دفاعی بوده و نه‌تنها تاکنون جنبه تهدیدآمیز برای هیچ کشور غیرمتخاصمی نداشته، بلکه در آینده نیز از همین منطق پیروی خواهد کرد.

محور سیاست‌های منطقه‌ای ایران نیز بر اساس نفی حضور بی‌ثبات‌کننده کشورهای فرامنطقه‌ای و دفاع از مردم مظلوم مورد تجاوز قرارگرفته و مبارزه با تروریسم بنا شده است.

اگر به انتخابات پارلمانی اخیر در لبنان و عراق توجه کنیم، خواهیم دید که نتایج آن، پیام‌های راهبردی عمیق و کاملا روشنی داشت. به اعتقاد من، حمایت قاطع مردم این کشورها از جریان مقاومت و قدرشناسی از کسانی که امنیت را برای آنان به ارمغان آوردند، باید کشورهایی را که با استفاده از ابزارهای مختلف ازجمله تروریسم به‌دنبال تحمیل اراده خود بر مردم این کشورها بودند را متوجه مسیر اشتباه‌شان کرده باشد.

◣ دلایل شما برای این برداشت و نتیجه‌گیری از انتخابات در این کشورها چیست؟

اول اینکه آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای این کشور جنگ روانی گسترده، همه‌جانبه و تصورناپذیری را با استفاده از همه تاکتیک‌های عملیات روانی و ظرفیت‌های رسانه‌ای علیه گروه‌های مقاومت در لبنان و حشدالشعبی و شیعیان در عراق به کار گرفتند تا جایگاه مردمی آنان را مخدوش کنند. شبانه‌روز اخبار کذب را همراه با اتهام‌زنی برای ایجاد هراس از آینده این کشورها در صورت رأی‌آوردن این گروه‌ها پمپاژ می‌کردند. اما همه دیدیم که به شکل بی‌سابقه‌ای در لبنان جایگاه حزب‌الله و شیعیان مستحکم‌تر از گذشته شد و در مقابل گروه‌هایی که از سعودی پول و امکانات دریافت کردند، تا یک‌سوم آرای خود را از دست دادند. مشخص می‌شود مردم به بصیرت لازم برای شناخت واقعیت‌ها از ورای این تبلیغات و هیاهوهای رسانه‌ای رسیده‌اند و گروه‌هایی که امنیت و سرنوشت مردم این کشورها برایشان پشیزی ارزش ندارد، در هدف خود شکست خوردند. واقعا لازم است مشی راهبردی و درایت رهبران جریان پیروز در عرصه سیاسی لبنان به‌ویژه سیدحسن نصرالله و نبیه بری به عنوان الگویی کارآمد و سازنده مورد بهره‌گیری سایر رهبران کشورهای منطقه قرار گیرد. بنده به عنوان یک مسلمان و فردی که سابقه دوستی طولانی‌مدت و عمیق با سیدحسن نصرالله و نبیه بری دارم، به وجود این دو برادر عزیز افتخار می‌کنم و مجددا به آنها و مردم شریف لبنان تبریک می‌گویم. در عراق نیز اصل برگزاری موفق و امن انتخابات یک دستاورد برای دولت پیروز در مبارزه با تروریسم تکفیری بود. برگزاری این انتخابات در شرایط خاص امنیتی در عراق در حالی که برخی کشورهای مدعی در منطقه ازجمله امارات و عربستان فاقد هرگونه انتخابات و سازوکار مردم‌سالاری هستند، نشان‌دهنده تفاوت سطح سیاسی و اجتماعی جامعه عراق با سایر کشورهای عربی منطقه است. در این کشور نیز با وجود همه فشارها، مردم درک و تجربه‌های خود را از عملکرد مناسب گروه‌های مقاومت با رأی خود نشان دادند. به طوری که آمار کرسی‌های کسب‌شده از سوی پنج گروه اصلی شیعه نشان‌دهنده بهبود معنی‌دار جایگاه شیعیان و به‌ویژه مجاهدین در انتخابات پارلمانی است. این در حالی است که مجاهدین برای اولین‌بار با فهرست مستقل در انتخابات شرکت کردند.

نکته مهم و قابل توجه دیگر در نتایج انتخابات پارلمانی عراق، واگرایی و ضدیت فهرست‌های حائز اکثریت آرا در این انتخابات با سیاست‌های مداخله‌گرانه آمریکاست به طوری که فهرست‌های سائرون (مقتدی صدر) و فتح (هادی العامری) که رتبه اول و دوم را کسب کردند، از رجال شاخص ضدآمریکایی در عراق هستند. این نیز دستاورد دیگری است که نشان می‌دهد تبلیغات و عملیات روانی آمریکا در ایجاد ائتلاف دروغین و نمایشی مقابله با داعش نتوانسته است تأثیری بر مردم و نخبگان عراق برجای گذارد. در میان جریانات اهل سنت نیز حزب اسلامی که ضدیت بیشتری با دولت آمریکا دارد، حائز رأی بیشتری شد.

◣ گزینه و ائتلاف مطلوب برای ایران در شرایط پس از انتخابات پارلمانی برای انتخاب نخست‌وزیر جدید در عراق چیست؟

جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه نظر و ملاحظه‌ای درباره گزینه‌های احتمالی برای نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری در عراق ندارد و معتقد است بلوغ سیاسی گروه‌های مرجع در عراق بهترین پشتوانه برای انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر آینده این کشور است. ایران صداقت خود را در حمایت از مردم عراق در چهار دهه اثبات کرده است. در مقابله با رژیم دیکتاتوری بعث در کنار مجاهدان قرار داشت. با اشغال این کشور مخالفت کرد، برای تثبیت حکومت و تحقق مردم‌سالاری کمک کرد و در نهایت نیز در مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت در کنار مجاهدان عراقی خون داد. این در شرایطی است که تقریبا همه کشورهای مرتجع منطقه نسبت به مسئله عراق یا بی‌تفاوت بودند یا نقش منفی داشتند.

شکل‌گیری دولتی فراگیر، مقتدر، کارآمد و مستقل مهم‌ترین ضرورت آغاز روند توسعه و پیشرفت در عراق پساداعش است. ما همچون گذشته برای تحقق این مهم در کنار برادران عراقی خود خواهیم بود و از هیچ کمک و مشورتی دریغ نخواهیم کرد. باید تأکید کنم که گمانه‌زنی یا تفسیرهایی که درباره فهرست پیشنهادی ایران مطرح می‌شود، بخش دیگری از توطئه کشورهایی است که خیرخواه مردم عراق نبوده و نیستند. تأکید ما همواره این بوده که از تصمیمات و نتایجی که مسئولان عراقی به آن دست می‌یابند، حمایت می‌کنیم.

بدون شک قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران درگرو حمایت از تحقق خواست و اراده مردم منطقه برای نفی سلطه و تعیین سرنوشت کشورشان است. رمز موفقیت سیاست‌های منطقه‌ای ایران نیز که سلطه‌جویان و مرتجعان متوهم از فهم آن قاصر هستند، در پیروی از همین رویکرد است. به طور قطع شمار نیروهای امنیتی آمریکا که در پوشش دیپلمات در عراق حضور دارند، قابل مقایسه با تعداد محدود دیپلمات‌های ما در بغداد نیست. کمک‌های ایران نیز درمقایسه با هزینه‌های هنگفت و پول‌پاشی‌های سعودی اندک است اما نتیجه نشان می‌دهد مردم عراق امنیت و آینده خود را با این پول‌های ناپاک و نیروهایی که زمانی هم‌پیمان استراتژیک صدام بودند، عوض نمی‌کنند.

مستشاران ایرانی در منطقه جنوب سوریه هیچ‌گونه حضوری ندارند و نقشی نیز در عملیات اجراشده نداشته‌اند. ما قویا از تلاش روسیه برای خروج تروریست‌ها از مرز سوریه و اردن و کنترل ارتش سوریه بر این مناطق حمایت می‌کنیم و این اقدام را گام مثبتی در مسیر تسلط بیشتر دولت سوریه بر سرزمین‌های اشغال‌شده از سوی گروه‌های تروریست می‌دانیم

◣ آینده سوریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا ایران قادر به حفظ دستاوردهای خود در این کشور هست؟

اخیرا و به‌دنبال پیروزی‌های مستمر ارتش و نیروهای مردمی سوریه در جبهه‌های مختلف، مناطق جنوبی و ریف دمشق به طور کامل پاکسازی شد که دستاورد بسیار مهمی است. از این فرصت استفاده می‌کنم و به سهم خود به ملت سوریه، دولت و نیروهای نظامی این کشور برای کسب پیروزی‌های ارزشمند جدید تبریک می‌گویم. با این معادله جدید، بخش مهمی از یگان‌های ارتش سوریه که در جنوب این کشور مستقر بودند، می‌توانند بر پاکسازی عناصر باقی‌مانده تروریست در شمال و همچنین مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی متمرکز شوند. ازاین‌رو موفقیت‌های اخیر میدانی در سوریه اثرگذاری راهبردی در معادلات امنیتی در آینده خواهد داشت.

ما با درخواست دولت قانونی سوریه و برای کمک مستشاری به این کشور برای مبارزه با تروریسم حضوری محدود در سوریه داریم. آنچه را در سوریه به دست آمده، ما در درجه اول دستاورد محور مقاومت و به‌ویژه حاصل تلاش ملت مقاوم سوریه برای تحقق هدف ذکر شده، یعنی محو تروریسم در این کشور می‌دانیم. جمهوری اسلامی ایران امنیت سوریه را معادل امنیت خود تلقی می‌کند و از این حیث حفظ ثبات در سوریه برای جمهوری اسلامی ایران نیز یک دستاورد محسوب می‌شود. طبیعتا سابقه طولانی همکاری راهبردی دو کشور و کمک به یکدیگر در شرایط بحران موجب افزایش اعتماد متقابل میان مردم و دولت‌های ایران و سوریه شده است و این مهم نیز دستاورد دیگری است که باید از آن حراست کرد. کمک‌های مستشاری ما نیز تا زمانی که دولت این کشور درخواست داشته باشد، تداوم خواهد داشت. حضور ایران برخلاف حضور نامشروع آمریکا و برخی دیگر از کشورهای منطقه در سوریه، تحمیلی و حاصل تجاوز غیرقانونی نظامی نیست. مستشاران ایرانی در کنار نیروهای سوری در یک سنگر حضور دارند و با هماهنگی کامل عملیات‌های علیه گروه‌های تروریستی و نجات مردم را پیش می‌برند.

مسئله اینجاست که بازگشت سوریه به امنیت کامل برای کدام طرف‌ها مطلوب نیست و چرا از ریشه‌کن‌شدن تروریسم عصبانی هستند و به این بهانه حمله هوایی و موشکی به سوریه را انجام می‌دهند؟ این مسئله مهم نشان می‌دهد مسئله سوریه صرفا تروریسم نیست. موضوع، جایگاه و نقش سوریه در آینده تحولات منطقه است که در صورت قدرت یافتن، دشمنانی که از ناامنی در این کشور سود می‌بردند، دچار خسارت می‌شوند. بنابراین در تحقق این سطح دوم از امنیت منطقه نیز جمهوری اسلامی ایران در راستای منافع ملی خود و کمک به امنیت سوریه ایفای نقش خواهد داشت. البته ماهیت و سطح همکاری‌های دو کشور با توجه به قدرت‌یافتن دولت، نیروهای امنیتی و ارتش سوریه متناسب با شرایط و اقتضائات روز و با توافق طرفین خواهد بود.

◣ اخیرا خبرهای متعددی درباره حضور مستشاران ایرانی و هدایت عملیات در مناطق جنوبی سوریه و همچنین طرح روسیه برای استقرار ارتش سوریه در مرزهای مشترک با اردن منتشر شده است. اگر امکان دارد در این زمینه هم مقداری توضیح بدهید.

ما قبلا هم اعلام کردیم که مستشاران ایرانی در منطقه جنوب سوریه هیچ‌گونه حضوری ندارند و نقشی نیز در عملیات اجراشده نداشته‌اند. درباره بخش دوم سؤال شما هم باید بگویم ما قویا از تلاش روسیه برای خروج تروریست‌ها از مرز سوریه و اردن و کنترل ارتش سوریه بر این مناطق حمایت می‌کنیم و این اقدام را گام مثبتی در مسیر تسلط بیشتر دولت سوریه بر سرزمین‌های اشغال‌شده از سوی گروه‌های تروریست می‌دانیم.

◣ پاسخ موشکی سوریه به تجاوزات رژیم اسرائیل در جولان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رژیم صهیونیستی در ۲۵ سال گذشته در تجاوزاتی مانند حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق و سوریه، حمله به کشتی ترکیه‌ای مرمره، ساقط‌کردن هواپیمای مصر با سوءاستفاده از ضعف دولت‌های همسایه خود هرگز پاسخی درخور دریافت نکرد. ارتش و دولت سوریه امروز این اعتماد به نفس بالا و قدرت را دارند که هواپیمای این رژیم را ساقط کنند، موشک‌های آنها را در آسمان منهدم کنند و حتی با توجه به جمع‌آوری‌های اطلاعاتی نقاط مهم نظامی این رژیم را بلافاصله پس از تجاوز و در عملیاتی مقابله‌ای هدف قرار داده و نابود کنند. این مسئله برای جهان عرب و اسلام یک افتخار محسوب می‌شود. همچنین این اقدام پیام روشن دیگری نیز داشت که دوران «بزن دررو» تمام شده و این رژیم باید پاسخ‌گوی رفتار خود باشد. این اقتدار و توانمندی قطعا دستاورد محور مقاومت است و سطح جدیدی از موازنه قدرت در منطقه را به وجود آورده است.

◣ رژیم اسرائیل این روزها در غزه و کرانه باختری نیز سرگرم سرکوب و کشتار فلسطینیان است. ایران به صورت مشخص درباره تحولات جدید پس از انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس چه سیاستی را دنبال می‌کند؟

در سال‌های گذشته تلاش ایران این بود که به رهبران فلسطینی این پیام را منتقل کند که از طریق مذاکره با آمریکا و عقب‌نشینی در برابر خواست رژیم صهیونیستی نمی‌توانند موجب کاهش عطش جنون‌آمیز این رژیم برای توسعه‌طلبی و تجاوز شوند. بعضی از دوستان ما نیز متأسفانه دچار تحلیل‌های غلط شده و تصور کردند می‌توانند مسیرهای دیگری را برای رسیدن به اهداف خود در پیش بگیرند. اقدام غیرقانونی آمریکا در انتقال سفارت این کشور به قدس شریف عملی تحریک‌آمیز و با هدف مقدمه‌چینی برای پیگیری اهداف شوم بزرگ‌تری که از آن به‌عنوان به‌اصطلاح توافق قرن یاد می‌کنند، انجام شده است. ما ضمن آنکه تحولات اخیر را با دقت و حساسیت زیر نظر داریم، معتقدیم که تصمیمات نابخردانه آمریکا موجب اتحاد بیشتر جهان اسلام و انسجام همه گروه‌های فلسطینی شد. مجموعه جریان مقاومت امروز به یک نتیجه واحد و مشترک رسیده‌اند که سیاست سازش به جایی نمی‌رسد. مردم قهرمان و شجاع فلسطین نیز منتظر مذاکرات و تصمیم دیگران نماندند و خودشان غیرت اسلامی را در دفاع از قدس شریف و آرمان آزادی فلسطین به جهان نشان دادند.

ایران گفت‌وگوها و رایزنی‌های مفصلی را با کشورهای مختلف در جهان اسلام برای توقف خشونت‌ها علیه مردم فلسطین به کار برد و با بسیج ظرفیت‌های رسانه‌ای و سازمان‌های مردم‌نهاد توانست بخشی از این ظلم و جنایت‌ها را به افکار جهانی منعکس کند که نتیجه آن تحت فشار قرارگرفتن آمریکا و انزوای بیشتر رژیم صهیونیستی شد.حمایت ایران از فلسطین، اصولی، اعتقادی و ناشی از تکلیف دینی است.

◣ به‌تازگی اظهارات مقامات ارشد رژیم اسرائیل علیه ایران از نقطه‌نظر سطح، تواتر بیان و محتوا تغییر درخورتوجهی داشته و می‌توان گفت که از جنبه تهدید کلامی به تهدید نشان‌دار تبدیل شده است. به نظر شما چه دلایلی باعث این رویکرد جدید شده است؟

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

درس‌های انتخابات هیئت‌رئیسه

این سخن انکارشدنی نیست که مجلسی که باید صدای ملت و منتقد و ناظر بر همه ابعاد باشد، از صدای ملت بودن فاصله گرفته است و اینجاست که دقیقا تفاوت واژه «وکیل‌الدوله» و «وکیل‌الملّه» معنا می‌یابد. مطمئنا اگر اجازه داده شده بود نمایندگان صدای نقد، اعتراض و انتقاد باشند و مردم صدای همه اعتراض‌های خود را از گلوی نمایندگانشان در مجلس می‌شنیدند، دیگر برای اعتراض به موضوعی خاص به خیابان‌ها نمی‌ریختند. دراین‌باره هم باید بگویم آنچه در خلق شرایط یادشده بی‌تأثیر نبوده، در واقع نگاه و مشی و شرایط خاص هیئت‌رئیسه و مدیریت تک‌صدایی مجلس بوده است که نمایندگان را به مسیری برده که امروز موضع‌گیری‌های نمایندگانی مانند علی مطهری برای مردم عجیب به نظر می‌آید، درحالی‌که در یک مجلس نرمال این نوع اعتراض‌ها و نطق‌ها باید طبیعی و حق نمایندگان و موکلانشان باشد. در واقع یکی دیگر از دلایل جدی‌شدن تصمیم فراکسیون امید برای ورود تمام‌قد به انتخابات امسال و ایستادن مقابل رویه سنوات گذشته، پایان‌دادن به همین سکوت و بازکردن برخی گره‌ها از دست و پای نمایندگان بود.

۳- مجلس با مدیریت فردی یا مشارکتی

در تمام پارلمان‌های دنیا وجودداشتن و مشخص‌بودن تعداد کرسی‌های هریک از جریان‌های سیاسی داخل مجلس اهمیت بالایی دارد. حتی در بسیاری موارد می‌بینیم که مدیریت پارلمان نیز بر مبنای همین تعداد کرسی‌ها سهم‌بندی می‌شود تا مدیریت مشارکتی اعمال شود، اما متأسفانه در مجلس ما به‌دلیل تغییرات بنیادی در آیین‌نامه داخلی و بسیاری موارد دیگر، مدیریت مجلس کاملا فردی است و در ارکان مجلس از معاونت‌های اجرائی و حقوقی تا مدیران کل و ریاست مرکز پژوهش‌ها و بسیاری جاهای دیگر، افرادی از سایر جریان‌های سیاسی و افرادی غیروابسته به فراکسیون تابع رئیس، دیده نمی‌شوند و در چنین شرایطی، اینکه مطالبات مردم راه به جایی نبرد، اصلا عجیب نیست. بر این اساس دیگر علت حضور مستقل فراکسیون امید در انتخابات امسال اعتراض به این سبک مدیریتی بود و در این بخش حتی اصولگرایان ولایی هم نقد و اعتراض ما به مدیریت فعلی را مؤکدا تأیید می‌کردند، اما به‌هرحال آنها تصمیم گرفتند در فرایندی به‌دور از اخلاق، با کنارکشیدن آقای حاج‌بابایی به‌نفع آقای لاریجانی در آخرین لحظه، دوباره علم اصولگرایی خود را به سایرین واگذار کنند.

۴- اثبات اینکه امید توصیه‌پذیر نیست

یکی از موضوعاتی که این روزها برخی از رسانه‌های ظاهرا اصلاح‌طلب، به غلط و با اهداف خاص که در جای خود درباره آن سخن خواهم گفت و برخی دیگر متأثر این فضا و از سر دلسوزی به آن پرداختند، این بود که به نمایندگان گفته‌اند اگر به مطهری رأی بدهید، تأیید صلاحیت نخواهید شد. بنده به جهت مسئولیتی که در جریان این انتخابات از سوی فراکسیون عهده‌دار شده بودم، تقریبا در تمامی روزهای دو هفته منتهی به انتخابات جلسات متعددی با اعضای فراکسیون داشتم و در تمامی این جلسات از دوستان جویا می‌شدم که آیا کسی شما را از رأی به «علی» بر حذر داشته یا مورد چنین تهدیدهایی قرارگرفته‌اید؟ شاید جالب باشد که بدانید حتی یک نفر هم تأیید نکرد که صراحتا یا تلویحا برای رأی‌ندادن به مطهری تحت فشار یا مورد تهدید قرار گرفته است. پس نه‌تنها این مورد صحت نداشت، بلکه آنچه بیشتر محتمل به نظر می‌رسد این است که برخی گروه‌ها و جریان‌ها یا به‌دنبال گروگان‌گرفتن مطهری در راستای ترساندن ما بر سر رقابت برای ریاست بودند یا به دنبال ابزاری که اگر مطهری از نایب‌رئیسی افتاد، این اتفاق را دستاویزی برای تخریب فراکسیون امید قرار دهند یا این خبرسازی دلیل سومی داشته که اینجا مجال گفتنش نیست. به هر شکل، ما در فراکسیون امید با مدت‌ها کار جمعی اجازه ندادیم چنین اتفاقی بیفتد و با اینکه دیگر فراکسیون‌ها کاندیدای نایب‌رئیسی خود را داشتند و یکی از آن فراکسیون‌ها هم علنا اعلام کرده بود که از او حمایت نخواهد کرد، مطهری و پزشکیان را بازهم در جایگاه نایب‌رئیسی تثبیت کردیم. در اینجا لازم است یک نکته را هم یادآوری کنم و آن اینکه به اعتقاد شخصی من، شاید علی مطهری در جایگاه نایب‌رئیس یک نماد برای جریان اصلاحات باشد، اما بی‌شک ایشان در کف صحن بسیار بیشتر به درد مردم و اینکه صدایشان باشد می‌خورد تا زمانی که نایب‌رئیس مجلس است. ساده‌ترین راه آزمایش این نظر هم مقایسه نطق‌ها و مواضع مطهری در دو سال پایانی مجلس قبل و دو سال نخست این مجلس است که به نظر می‌رسد ملاحظات و ملزومات جایگاه نایب‌رئیسی، دست و پای او را هم برای اینکه همان علی مطهری همیشگی باشد، بسته است.

۵- لاریجانی چه باید بکند؟

بی‌شک لازمه بدل‌شدن مجلس به نماد واقعی در رأس امور بودن، این است که فضای آن چندصدایی باشد و مدیریتش مشارکتی. پس روش مدیریتی رئیس باید به‌گونه‌ای باشد که همگان ابراز عقیده کنند و بتوانند بدون اثرگذاری عامل‌ها یا اهرم‌های برون‌مجلسی، برای موفقیت عقیده خود تلاش کنند. بنابراین بسیار لازم است که هرچه سریع‌تر ایشان با بررسی انتقادی روش مدیریتی خود و آسیب‌شناسی ۱۰ سال ریاستش بر مجلس، همگان را در فرایند اداره مجلس مشارکت دهد تا مجلس موفق شود مطالبات به‌حق ملت را عملی و اسباب کارآمدی نظام را دوچندان کند.

ادامه در صفحه ۱۵

آینه

همشهری

غفلت از آموزش مسائل جنسی در مدارس

● وقتی بحث آموزش و مراقبه‌های جنسی برای پیشگیری از آسیبی که متوجه کودکان و نوجوانان شد، هجمه‌ای از مخالفت‌ها آن را در نطفه خفه کرد. وحشت از آنچه «گستاخ‌شدن کودکان و نوجوانانمان» اعلام شد، آموزش پیشگیری از آسیب‌های مربوط به مسائل جنسی را به عقب‌نشینی وادار کرد. اما نتیجه این عقب‌نشینی‌ها منجر به فاجعه تجاوز جمعی در یکی از مدارس غیرانتفاعی شد؛ خبری که منتشر شد و شاید خبرهای بسیاری هم رخ داده‌اند که همچنان پنهان مانده‌اند.

کیهان

درس صلح و عبرت تسلیم

محمدهادی صحرایی: ... گروه دوم باید بداند که امام حسن در ضعف مفرط جامعه مسلمین، ناگریز، تن به مذاکره و صلحی تحمیلی داد تا حداقل‌ها را حفظ کند و معاویه ناشناخته را به مسلمین بشناساند. این بسیار تفاوت و تنافر دارد با آن مذاکره و صلحی که در دوران قوت مسلمین صورت گیرد و حداکثرها را از جامعه بگیرد و آزموده را بیازماید که در اصل معامله است و صلح نیست، تسلیم است. این ذلت و دادن داشته‌ها کجا و آن عزت برای برگرداندن رفته‌ها کجا. بازی مسخره برد-برد با دشمن کجا و تلاش برای برد مسلمین و نبردن دشمن کجا. در بندبند صلح‌نامه امام مجتبی، بی‌اعتمادی به معاویه موج می‌زند. نرمش قهرمانانه مدبرانه است، نه کرنش منفعلانه و خوش‌باورانه.

اعتماد

اصلاح آیین‌نامه مجلس

مسعود پزشکیان: ... درباره عملکرد هیئت‌رئیسه مجلس باید بگوییم که ساختار آیین‌نامه مجلس به‌نحوی است که مانع از ورود و دخالت جدی اعضای هیئت‌رئیسه در تصمیم‌گیری‌های اساسی شده و عمده این تصمیمات اساسی بر عهده شخص رئیس مجلس و معاونت‌های مختلف رئیس ازجمله معاونت مالی، اداری و اجرائی قوه مقننه است. در نتیجه آن میزان از تعاملی که باید برای طراحی سیاست‌گذاری‌های کلی شکل بگیرد، محقق نمی‌شود و درنتیجه به نظر می‌رسد برای اصلاح امور مجلس لازم است اصلاحاتی در آیین‌نامه صورت گیرد. این مسئله نیز لزوما به این بستگی دارد که ما نمایندگان مجلس به این مهم توجه داشته باشیم و بخواهیم دست به این اصلاحات بزنیم یا نه!

دنیای اقتصاد

نامه ارزی به رئیس‌جمهور

فعالان اقتصادی در نامه‌ای به «حسن روحانی» چهار مطالبه ارزی بخش خصوصی را از دولت اعلام کردند. بعد از اجرای سیاست جدید ارزی در اواخر فروردین امسال و اعلام نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به‌عنوان تنها نرخ رسمی بازار، بخش خصوصی خواستار تعدیل نرخ متناسب با تغییرات تورمی تا پایان سال جاری شد. از سوی دیگر، با توجه به عطش واردات برای دریافت دلار با نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان، این پیشنهاد مطرح شده که نرخ مذکور تنها برای واردات کالاهای اساسی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای تولید اختصاص یابد و بقیه واردات با نرخ توافقی از محل ارز حاصل از صادرات تأمین شود. فعالان اقتصادی همچنین بر لزوم بازنگری مجدد در فهرست کالاهای وارداتی مشمول دریافت ارز با نرخ رسمی تأکید کردند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه صادرکنندگان مجاز به واگذاری ارز به‌صورت مستقیم به واردکنندگان شده‌اند، پیشنهاد شده مبنای تعیین نرخ به‌صورت توافقی (به استثنای ارز ناشی از صادرات محصولات پتروشیمی و میعانات گازی) مجاز شمرده شود و مازاد نرخ به‌عنوان ارزش اظهارنامه صادراتی تلقی شود. فعالان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند که تداوم رویه و فضای فعلی، منجر به آشفتگی بیش از پیش بازار ارز در روزهای آتی خواهد شد و ابراز امیدواری کردند که دولت با اتخاذ سیاست‌های جامع‌نگرانه، از بروز آن جلوگیری کند.

همدلی

ژن‌های بد

نام مهندس عزت‌الله سحابی با ایران و موضوعی به نام دغدغه ایران گره خورده است. با «نیم قرن خاطره و تجربه» دلسوزی‌های پایان‌ناپذیری برای «ایران فردا» داشت... او در آخرین ساعات هشیاری می‌گفت: «زندگی مردم سخت شده است. خدا می‌داند که من چقدر برای ایران نگرانم! من دارم می‌میرم و کاری برای ایران نکردم». سحابی با وجود محدودیت‌هایی که برایش ایجاد شد، هیچ‌گاه پای از دایره اخلاق بیرون نگذاشت و به شهادت موافق و مخالف، از جمله منادیان سیاست اخلاقی در بازار هفت رنگ سیاست بود. ...فرزند سحابی بودن برای او [هاله] مشکلات بسیاری به وجود آورد؛ تا جایی که وقتی از دانشگاه تهران -در رشته فیزیک- فارغ‌التحصیل شده بود تا چند سال مدرکش را ندادند و حتی به خاطر اینکه فرزند عزت‌الله بود، او را استخدام نکردند. اما هاله عاشق پدر بود و تمام این مشکلات را به جان خرید. آنقدر پدر را دوست داشت که تاب دوری‌اش را نیاورد و روز بعداز خاکسپاری پدر فوت کرد.